

## دو فصلنامه رهیافت‌های پژوهش اقتصادی

سال اول، شماره ۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۶

### بررسی عادلانه بودن قراردادهای آتی

عباس شفیعی نژاد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴

#### چکیده

توزیع عادلانه سهم عوامل یکی از ابعاد الگوی توزیع ثروت در نظام اقتصادی اسلام است، تحقق این توزیع عادلانه با استفاده از سازوکار بازار و بر مبنای قراردادهای عادلانه است. از این رو، شرایط و اصولی که متضمن شکل‌گیری سهم عادلانه برای هر یک از عوامل تولید هستند، باید در قراردادها رعایت شوند. تخطی از اصول حاکم بر قراردادها، توزیع عادلانه سهم عوامل را به چالش می‌کشد. با روش استقرایی می‌توان اصول حاکم بر قراردادهای عادلانه را از دلایل نقلی و عقلی استنتاج نموده و سپس با استفاده از روش استدلال قیاسی درجه‌ی عادلانه بودن یک نوع قرارداد خاص (آتی) را بررسی نمود. اعطای حق، اخوت و عدم تفکیک بین بخش واقعی و بخش اعتباری، اصول حاکم بر قراردادها هستند. میزان انطباق قراردادهای آتی با این اصول، با استفاده از شواهد تجربی (صوری شدن و فریب‌کاری در اغلب این قراردادها) و نظری (ماهیت این قراردادها و لوازم آن‌ها)، ضعیف ارزیابی می‌شود.

**کلیدواژه:** آتی‌ها، مالی اسلامی، بحران مالی، ابزارهای مالی

طبقه‌بندی JEL: G010

## ۱. مقدمه

بسیاری از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران با مشکل نوسان قیمت‌ها مواجه‌اند. از قراردادهای آتی برای پوشش ریسک و غلبه بر نوسانات استفاده می‌شود. تولیدکننده‌ی کالای نهایی که برای تولیدات خود در ماه‌های آینده، نیاز به مواد اولیه دارد و نگران افزایش قیمت این مواد در آینده است، می‌تواند با انعقاد یک قرارداد آتی، مواد موردنیاز خود را تهیه کند و نگرانی خود را برطرف نماید. همچنین مالک مواد اولیه که در ماه‌های آینده قصد فروش مواد خود را دارد و نگران کاهش قیمت این مواد در آینده است، می‌تواند با انعقاد چنین قراردادی، نگرانی خود را برطرف کند و ریسک ناشی از کاهش قیمت‌ها را مدیریت نماید؛ بنابراین برای غلبه بر نوسانات اقتصادی می‌توان از این ابزارها، استفاده نمود. برای استفاده از قراردادهای آتی در نظام اسلامی، ابهامات و چالش‌هایی وجود دارد. چالش‌های فقهی مثل ممنوعیت غرر، ممنوعیت بیع دین به دین و ممنوعیت بیع کالی به کالی و چالش‌های صوری‌بودن معاملات، از جمله این چالش‌ها هستند (ر. ک، معصومی‌نیا، ۱۳۸۷، صص ۲۳۱ تا ۲۴۷). علاوه‌براین، ماهیت این قراردادها و عوامل بیرونی مثل اطلاعات ناهمگون، تبانی و نوسانات قیمت‌ها زمینه را برای سوءاستفاده‌ی بورس‌بازان فراهم می‌کند و چالش مهم‌تری به نام چالش توزیع درآمد را ایجاد می‌کند.

توزیع عادلانه ثروت و درآمد، مورد تاکید نظام اقتصادی اسلام است. الگوی توزیع ثروت در رویکرد اسلامی شامل سه مرحله توزیع قبل از تولید، توزیع سهم عوامل و توزیع مجدد است. در توزیع سهم عوامل سازوکار بازار، سهم عوامل تولید را تعیین می‌کند؛ اما در نظام اقتصادی اسلام، شروط و اصول حاکم بر قراردادها، زمینه را برای شکل‌گیری قیمت عادلانه فراهم می‌نماید.

تطبیق این اصول و شرایط بر قراردادهای آتی و سنجش میزان انطباق این قراردادها با اصول حاکم، معیار خوبی برای بررسی عادلانه بودن این قراردادهاست. بدین ترتیب در این مقاله ابتدا با روش استقرایی، اصول حاکم بر قراردادهای عادلانه را از دلایل نقلی و عقلی استنتاج می‌کنیم و سپس با استفاده از روش استدلال قیاسی مدعای خود را اثبات می‌کنیم؛ یعنی از کلیاتی مثل اصول حاکم بر قراردادهای عادلانه، می‌خواهیم عادلانه بودن و یا عادلانه نبودن یک نوع قرارداد خاص (آتی) را استنباط کنیم. در این بین از شواهد تجربی نیز به‌عنوان موید بهره می‌گیریم.

با توجه به نقش بخش اعتباری در ایجاد بحران‌های مالی، ابزارهای مالی مورد استفاده باید به دقت مورد بررسی قرارگیرند؛ به همین جهت انجام این تحقیق برای روشن شدن زوایای فقهی و اقتصادی این قراردادها ضروری است و نتایج این تحقیق می‌تواند در طراحی الگوی مناسب برای نظام مالی مورد استفاده قرار گیرد.

## ۲. پیشینه تحقیق

در ادبیات فقهی، بیع سلف و بیع کالی به کالی شباهت‌هایی با قراردادهای آتی دارند. با این وجود، با مطرح شدن قراردادهای آتی، اندیشمندان اقتصاد اسلامی به بررسی فقهی این قراردادها پرداخته‌اند. رفیق یونس المصری (۲۰۰۷ م) معتقد است این قراردادها زمینه را برای سفته‌بازی فراهم می‌کند. وی با بیان دلایل موافقان و مخالفان سفته‌بازی، این قراردادها را منشأ شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی می‌داند. سامی ابراهیم السوایم (۱۳۸۶)، چالش‌های این قراردادها را به‌ویژه با مقوله‌ی عدالت، مطرح کرده است. معصومی‌نیا (۱۳۸۷) به بررسی فقهی ابزارهای مشتقه پرداخته و با برشمردن برخی از چالش‌ها، در عین حال، تصحیح شرعی این معاملات را ممکن دانسته است. محمود عیسوی (۱۳۹۳) به برخی ویژگی‌های این قراردادها در چارچوب ساختار بازار سرمایه در اسلام اشاره کرده است. علاوه بر این، محققان دیگری با رویکرد فقهی یا اقتصادی در لابه‌لای مباحث، به بررسی این قراردادها پرداخته‌اند. با این وجود؛ تحقیق مستقلی با رویکرد ارزیابی اقتصادی و شرعی این معاملات با توجه به اصول حاکم بر قراردادها انجام نگرفته است.

## ۳. قراردادهای آتی

از گذشته‌ی بسیار دور، نوعی از قراردادهای آتی به‌دلیل نیازی که به آن‌ها بود، به‌عنوان جزئی از تجارت توسعه یافتند. نمونه‌های اولیه از این قرارداد را می‌توان در یونان باستان و روم مشاهده کرد. تجارت سازمان‌یافته در ونیز حول‌وحوش قرن دهم شکل گرفت. در قرن ۱۵ میلادی تجارت در شهرهای بزرگ متمرکز شد. در قرن هجدهم، لندن مرکز تجاری و مالی دنیا شد. امروزه ایالات متحده به‌عنوان مرکز مبادلات تجاری و مالی مطرح است. (Bear1986. P 635 and 636)

اولین بازار این پیمان‌ها (ی آتی) در ژاپن در سال ۱۷۳۰ تأسیس شد که در آن هیچ نوع تحویل فیزیکی اتفاق نمی‌افتاد، در سال ۱۸۴۸، هیئت تجاری شیکاگو (CBOT) بورس سازمان‌یافته

پیمان‌های آتی را در غرب تأسیس نمود. البته در شروع کار، این پیمان‌ها بیشتر به صورت مبادله آتی‌ها - کالاهایی با تحویل فیزیکی کالا در آینده - بودند. در سال ۱۸۷۷ مبادله‌ی آتی‌ها رسمیت بیشتری یافت و سفته‌بازان به عنوان بازیگران بازار شناخته شدند. پس از آن بازار آتی‌ها از لحاظ اندازه گسترش یافت و سایر بورس‌ها نیز به مبادله‌ی آتی‌ها پرداختند. (سامی ابراهیم السویلیم، ص ۴۱ و ۴۲)

خاستگاه آتی‌های معاصر و بازارهایشان مبادلات سلف است که برای حمایت کردن از کشاورزان در مقابل نوسانات قیمت طراحی شده‌اند. نیاز به مبادله سلف به عنوان وسیله‌ای برای تشویق تولید و مبادله است و بیشتر برای حمایت و تامین مالی تولیدکنندگان کوچک در بخش‌هایی از قبیل بخش کشاورزی است، چرا که کشاورزان نمی‌توانند تغییرات طبیعت را کنترل کنند و بر آن احاطه داشته باشند تا به طور موثر تصمیمات تولیدی خود را بگیرند. (Fahim khan, 2000, p 20)

دو نوع قرارداد مورد بحث در این مقاله عبارتند از: قراردادهای آتی خاص و قراردادهای آتی یکسان. ابتدا قراردادهای آتی خاص رواج داشت و در ادامه و برای برطرف کردن ضعف‌های این نوع قرارداد، قراردادهای آتی یکسان (یا استاندارد شده)، طراحی شدند.

### ۳.۱. قراردادهای آتی خاص (Forward Contracts)

در این قرارداد، دو طرف متعهد می‌شوند که در آینده معلوم، معامله‌ای را با قیمت معلوم انجام دهند (زارعی و سعیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷). به علت نگرانی خریدار و فروشنده از تغییر قیمت کالا در آینده و احتمال کاهش یا افزایش آن، دو طرف متعهد به انجام معامله با قیمت معین می‌شوند تا ریسک خود را کاهش دهند؛ برای مثال، کشاورز با انعقاد قرارداد، مطمئن است که در شش ماه آینده، بیست تن برنج به قیمت معین به خریدار می‌فروشد؛ از این رو نگرانی او درباره کاهش قیمت برطرف می‌شود و خریدار با اطمینان از خرید بیست تن برنج به مبلغ معین، نگرانی افزایش قیمت را نخواهد داشت.

یکی از مشکلات بازار قراردادهای آتی خاص، این است که مبادلات مالی با سختی انجام می‌گیرد و یا با قیمت‌های غیرمناسب و نامطلوب تحقق پیدا می‌کند. دلیل این امر هم این است که یافتن طرف مقابل در قرارداد آتی خاص بسیار مشکل است (کسی که قصد فروش یک تن گندم در شش ماه آینده را دارد و نگران پایین آمدن قیمت است، باید شخصی را بیابد که در شش ماه آینده

چنین نیازی دارد و نگران بالا رفتن قیمت است). در اصطلاح اقتصاددانان مالی، این بازار از یک فقدان نقدینگی رنج می‌برد. فقدان نقدینگی در قرارداد آتی به معنای سخت بودن یافتن طرف مقابل است که بتوان مبادله را با او انجام داد. (ر. ک، میشکن، ۱۳۹۰، ص ۳۱۱ و ۳۱۲)

از طرف دیگر شرکت‌هایی که از این قراردادها استفاده می‌کنند، با یک ریسک نکول مواجه می‌باشند. وجود ریسک نکول به این معناست که طرف‌های قرارداد باید کاملاً کنترل کنند و اطمینان حاصل کنند که طرف‌های درگیر به لحاظ مالی سالم و با صداقت بوده و مطابق وظایف قراردادی خود عمل می‌کنند. از آن‌جا که این پروسه هزینه‌بر بوده و مسائلی از نوع انتخاب معکوس و خطرات اخلاقی نیز وجود دارد؛ لذا ریسک نکول به‌عنوان یک مانع اصلی در کاربرد این قراردادها به‌شمار می‌آید. (ر. ک، همان)

به‌علاوه هزینه‌بر بودن یافتن طرف معامله پس از گذشت زمان و عدم امکان انتقال قرارداد به شخص ثالث در بازار ثانویه و امکان نکول طرف قرارداد، قراردادهای دیگری به نام قراردادهای آتی یکسان ابداع شد. (پاشا، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱)

### ۲.۳. قرارداد آتی یکسان (Futures Contracts)

همان قرارداد آتی خاص استاندارد شده است؛ یعنی مقدار قرارداد، تاریخ سررسید، کیفیت و مکان تحویل و دیگر موارد در آن برای هر کالا به‌صورت استاندارد است تا امکان فروش آن در بازار ثانویه پدید آید. برای رفع ریسک نکول معامله، کارگزار بورس از دو طرف ودیعه مناسب اخذ می‌کند. (پاشا، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲)

برای هر قرارداد یک خریدار وجود دارد که موضع خرید را اختیار می‌کند و نیز یک فروشنده که موضع فروش را اختیار کرده است. در این قرارداد خریدار و فروشنده مبادله را با یکدیگر انجام نمی‌دهند، بلکه اتاق تسویه یا پایاپای این کار را صورت می‌دهد. همچنین طرفین، مقداری سپرده اولیه تحت عنوان حداقل ودیعه در حساب ودیعه خود نگه می‌دارند. میزان این حداقل ودیعه به دامنه نوسانات قیمت دارایی‌ها بستگی دارد و اغلب بین یک تا ده درصد قیمت دارایی تعیین می‌شود؛ بنابراین قرارداد آتی یکسان به‌طور مستمر مورد تسویه حساب روزانه قرار خواهد گرفت؛ یعنی در پایان هر روز مبادله‌ای معادل تغییر در ارزش قرارداد آتی به حساب ودیعه‌ی فرد افزوده یا از آن کسر خواهد

شد. از این‌رو طرفین قرارداد نگران سلامت مالی و یا صداقت طرف مقابل نیستند و هیچ‌گونه ریسک نکولی وجود نخواهد داشت. (ر. ک، میشکن، ۱۳۹۰، ص ۳۱۷ و ۳۱۸)

امتیاز و برتری که قرارداد آتی یکسان بر آتی خاص دارد این است که اغلب قراردادهای آتی یکسان منجر به تحویل دارایی مربوطه در تاریخ انقضاء نمی‌شود، درحالی‌که در مورد قراردادهای آتی خاص تحویل صورت می‌گیرد. همین‌که در چنین شرایطی مبادله‌گر مجاز به الغاء قراردادها می‌باشد، موجب کاهش هزینه‌ها در بازار آتی‌ها خواهد شد، بنابراین قراردادهای آتی یکسان آسان‌تر انجام می‌شوند. (ر. ک، میشکن، ۱۳۹۰، ص ۳۱۸)

به‌طور کلی تفاوت بین قراردادهای آتی خاص با قراردادهای آتی یکسان را در جدول زیر می‌توان خلاصه کرد. (ر. ک، عیسوی، 1393، ص ۱۰۷)

قراردادهای آتی خاص (Forward Contracts)	قراردادهای آتی یکسان (Futures Contracts)
توافق‌نامه‌های خصوصی بین دو طرف	انجام معامله در یک بورس
غیراستاندارد	قراردادهای استاندارد
معمولاً در بردارنده‌ی تاریخ مشخص است	دامنه‌ای از تاریخ‌های تحویل
تسویه حساب در پایان عمر قرارداد	تسویه حساب روزانه
معمولاً به تحویل یا تسویه حساب نقدی می‌انجامد	معمولاً به تحویل نمی‌انجامد

### ۳.۳. جایگاه قراردادهای آتی در بازارهای مالی

در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و به‌طور فزاینده‌تر در دهه‌ی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، جهان برای موسسات مالی، بسیار پرخطرتر شد؛ از این‌رو بازارهای مالی با توجه به کاهش تمایلات عمومی به ریسک، به ابزارهای جدید برای پوشش و مدیریت ریسک روی آوردند (Mishkin, 2006, p 309)؛ بنابراین این ابزارها (قراردادهای آتی)، برای جلوگیری از ریسک ناشی از نوسان قیمت‌ها مورد استفاده قرار گرفتند.

امروزه قراردادهای آتی به‌طور گسترده در بازارهای مالی دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. به مرور زمان، پیشرفت‌هایی در این قراردادها حاصل شد. به‌گونه‌ای که بازیگران بازارهای مالی از روش‌های گوناگون برای استفاده‌ی بهینه، از این قراردادها، بهره می‌گیرند. به‌طور مثال برخی از افراد بعد از وارد شدن در این قرارداد، به‌منظور کاهش ریسک، اقدام به اجرای یک قرارداد موازی می‌نمایند. در برخی

موارد نیز برای اطمینان بیشتر، از قرارداد بیمه برای پوشش ریسک استفاده می‌کنند. به‌طور کلی این قراردادها به شکل گسترده در بازارهای مالی دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرند. مطابق با روش استدلال در این مقاله، ابتدا به استنتاج اصول حاکم بر قراردادهای عادلانه می‌پردازیم و سپس با استفاده از روش قیاسی، عادلانه بودن و یا غیرعادلانه بودن این قراردادها را با معیارهای به‌دست آمده (اصول حاکم بر قراردادهای عادلانه)، سنجه می‌کنیم.

#### ۴. قرارداد عادلانه، زمینه‌ساز تحقق توزیع عادلانه (درآمد)

کالاها و خدمات تولید شده باید به‌گونه‌ای توزیع شوند که نیازهای تمام افراد به حد کافی تأمین شده و نابرابری‌ها در درآمد و ثروت به حداقل برسد. در این صورت عدالت بهینه به‌دست آمده است (ر. ک، رجایی، ۱۳۸۵، ص ۳۸۶). در ذیل آیه‌ی فیه علت این حکم - یعنی اختصاص بخشی از اموال به گروه‌های مزبور - جلوگیری از انباشته شدن ثروت و منع از گردش و دست‌به‌دست شدن انحصاری آن در بین اغنیاء معرفی شده است و بدون شک وقتی گردش ثروت در انحصار توانگران باشد، تفاوت میان غنی و فقیر، فاحش خواهد بود؛ بنابراین هدف حکم مزبور رفع فاصله فراوان بین اقشار مردم و تعدیل ثروت است (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۷۴ و ۷۵). این آیه بر عادلانه بودن توزیع ثروت و درآمد، دلالت دارد.

توزیع ثروت دارای سه مرحله است؛ مرحله‌ی اول: توزیع قبل از تولید، مرحله‌ی دوم: توزیع پس از تولید (توزیع سهم عوامل) و مرحله‌ی سوم: توزیع مجدد ثروت و درآمد است. جریان عدالت در هریک از مراحل، شیوه‌ی خاص خود را دارد. در مرحله‌ی اول، جریان عدالت به‌معنای بهره‌مندی عادلانه از فرصت‌ها و منابع است و در مرحله‌ی سوم اجرای صحیح نظام مالیاتی و تأمین اجتماعی است.

اما توزیع عادلانه در مرحله‌ی دوم (توزیع سهم عوامل) که موضوع بحث این مقاله است، بدین معناست که هریک از عوامل تولید مستحق سهم عادلانه از بازدهی تولید هستند. در یک بازار رقابتی و شفاف، سهم هریک از عوامل توسط قانون عرضه و تقاضا و سازوکار بازار تعیین می‌شود. یعنی هریک از عوامل تولید بازده نهایی خود را می‌برد؛ به همین جهت اگر قرارداد در بازار در فضایی شفاف و رقابتی انجام گیرد، هریک از عوامل سهم عادلانه خود را به‌دست می‌آورد.

سازوکار بازار یا همان قانون عرضه و تقاضا، چیزی به جز همان قرارداد نیست. یعنی خریدار و فروشنده، کارگر و کارفرما، عامل و مضارب، موجر و مستاجر و ... براساس قرارداد، میزان سود سرمایه، دستمزد و یا اجاره را مشخص می‌کنند.

قرآن کریم در آیات زیادی بر اهمیت قراردادهای و لزوم عمل به آن‌ها تاکید کرده است. قرارداد به معنای توافق و پیمان طرفینی است. در قرآن کریم کلمات عهد، عقد، میثاق و موثق بیانگر این معنا هستند. کلمه عقد و مشتقات آن، ۷ مرتبه در قرآن به کار رفته و کلمه عهد و مشتقات آن ۳۶ مرتبه، کلمه میثاق ۲۰ مرتبه و کلمه موثق ۳ مرتبه در قرآن به کار رفته است. کلمه موثق در مورد پیمان الهی به کار رفته و کلمه عهد و میثاق نیز گرچه در بیشتر موارد، در مورد پیمان‌های الهی به کار رفته‌اند، اما در مواردی نیز به معنای پیمان بین انسان‌هاست (ر. ک: نساء، ۹۰ و ۹۲؛ توبه، ۱، ۴ و ۷؛ مومنون، ۸؛ اسراء، ۳۴؛ معارج، ۳۲). تاکیدات فراوان بر اهمیت قرارداد بین انسان‌ها نشان می‌دهد که این نوع عهد و پیمان‌ها محترم هستند و عمل به محتوای آن‌ها (در صورتی که حائز شرایط باشند) لازم است. در این جا هرچند نفس قرارداد اهمیت دارد، اما برای عادلانه بودن توزیع ناشی از این قراردادها، اصول حاکم بر قراردادهای باید رعایت شوند.

## ۵. اصول حاکم بر قراردادهای

اصول حاکم بر معاملات و یا ضوابط کلی معاملات را از جنبه‌های مختلفی می‌توان بررسی کرد. بسیاری از محققین ممنوعیت اکل مال به باطل، ممنوعیت غرر، ممنوعیت ضرر و ممنوعیت ربا را به عنوان ۴ اصل کلی حاکم بر معاملات مالی مطرح می‌کنند. سه اصل اول، تامین‌کننده‌ی عنصر عدالت در قرارداد هستند که مجموع آن‌ها را می‌توان تحت عنوان اصل اعطای حق قرارداد به شمار آورد. ممنوعیت ربا نیز هرچند در تحقق عدالت ضرورت دارد، اما در قراردادهای مالی این اصل به همراه اصل حرمت قمار حکایت از یک اصل کلی‌تری دارد. این اصل تحت عنوان اصل عدم تفکیک بین بازار پول و بازار کالا نامیده می‌شود.

اما یکی از اصولی که در طراحی اصول حاکم بر قراردادهای، از آن غفلت شده، اصل اخوت و برادری است. بسیاری از احکامی که در حوزه‌ی امور مالی اعم از واجب و مستحب، تشریح شده‌اند (خمس، زکات، انفاقات، ممنوعیت غش در معامله، ممنوعیت احتکار، کراهت نجش، تبنای و تلقی



رکیان، استحباب اکتفاء به سود کم و .....)، بیانگر اهتمام اسلام به اصل اخوت و برادری بین افراد جامعه هستند. از این رو اصول حاکم بر قراردادها را می‌توان تحت این عناوین بیان کرد:

۱. اصل اعطای حق ۲. اصل اخوت و برادری ۳. اصل عدم تفکیک بین بازار پول و بازار کالا

### ۵. ۱. اصل اعطاء حق

پایه و اصول قراردادها در بازار اسلامی باید بر مبنای عدالت و اعطای حق باشد. عبارت «و لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (حقوق دیگران را به ناحق پایمال نکنید)، سه مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است (ر. ک، اعراف، ۸۵، هود، ۸۵ و حجرات ۱۳) که در هر سه مورد از زبان حضرت شعیب علیه السلام است. قوم شعیب (مردم "ایکه" و "مدین") در یک منطقه حساس تجاری بر سر راه کاروان‌هایی که از حجاز به شام و از شام به حجاز و مناطق دیگر رفت‌وآمد می‌کردند قرار داشتند و به جهت این که این قافله‌ها در وسط راه، نیازهای فراوانی پیدا می‌کردند گاهاً مردم شهرهایی که در مسیر قرار داشتند از این نیازها حداکثر سوءاستفاده را می‌کردند، اجناس آن‌ها را به کم‌ترین قیمت می‌خریدند و اجناس خود را به گران‌ترین قیمت می‌فروختند. گاه بر اجناسی که می‌خریدند هزار عیب می‌گذاشتند و جنسی را که در مقابل آن می‌فروختند صدگونه تعریف می‌کردند و هنگام وزن و پیمانه جنس خود را دقیقاً می‌سنجیدند و گاه کم‌فروشی می‌کردند ولی جنس دیگران را با بی‌اعتنایی وزن می‌نمودند و گاهی بیشتر از مقدار لازم برمی‌داشتند و چون طرف مقابل به‌رحال محتاج و نیازمند بود ناچار بود به تمام این مسائل تن در دهد. گذشته از کاروان‌هایی که در مسیر راه بودند، اهل خود منطقه نیز آن‌ها که ضعیف‌تر و کم‌درآمدتر بودند و مجبور بودند جنس خود را با سرمایه‌داران گردن‌کلفت معامله کنند، سرنوشتی بهتر از این نداشتند. در چنین شرایطی قیمت متاع، اعم از جنسی را که می‌خرند و جنسی را که می‌فروشند به میل آن ثروتمندان تعیین می‌شود، پیمانه و وزن نیز در هر حال در اختیار آن‌ها است و این بینوای مستضعف باید مانند "مرده‌ای در دست غسل" تسلیم باشد. در چنین فضا و شرایطی است که حضرت شعیب (ع) به دستور خداوند، گاهی آن‌ها را دستور به ادا کردن حق پیمانه می‌دهد و در جای دیگر توزین با ترازوی درست را دستور می‌دهد و در ادامه هم با تعبیر "لا تبخسوا" آن‌ها را از کم‌گذاردن ظالمانه از حقوق مردم و تقلب و نیرنگی که منتهی به تضییع حقوق دیگران می‌گردد، نهی نموده است؛ بنابراین جمله فوق دارای معنی وسیعی است که

هرگونه غش و تقلب و تزویر و خدعه در معامله و هرگونه پایمال کردن حق دیگران را شامل می‌شود (ر. ک، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۴ و ۳۳۵). به‌طور کلی پایمال کردن حقوق دیگران و عدم رعایت عدالت در همه‌ی امور از جمله قراردادها سبب فساد خواهد شد و این فساد دامنگیر همه‌ی افراد جامعه خواهد شد.

## ۲.۵. اصل اخوت و برادری

اصل اخوت و برادری، می‌تواند خاستگاه آثار مهمی در حوزه امور اجتماعی باشد. قرآن کریم با صراحت بیان می‌کند که مومنین با هم برادر هستند (حجرات، ۱۰). در این آیه خداوند خبر می‌دهد که مومنین یعنی کسانی که قائل به وحدانیت خدا هستند و طاعت خدا را به‌جای می‌آورند و به پیامبر و آنچه او آورده، ایمان دارند و به آن عمل می‌کنند، این مومنین با هم برادرند، یعنی لازم است که گروهی به گروه دیگر کمک کنند (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۴۷). جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریح می‌کند و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی و حقوقی قانونی نیز دارد. اخوت یک معنایی است که هم می‌تواند طبیعی باشد و هم اعتباری و اخوت طبیعی در شرایع و قوانین هیچ اثری ندارد و قوانین به‌صرف این‌که دو انسان دارای یک پدر و یا یک مادر و یا یک پدر و مادر باشند، ارتباطی بین این دو از نظر قانون نمی‌بیند، ولی اخوت اعتباری در اسلام آثاری اعتباری دارد (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۸، ص ۳۱۵). یعنی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» به این معناست که مؤمنین در دین برادر یکدیگرند و باید همدیگر را یاری کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۰۰)

امام صادق «ع» می‌فرماید: «المؤمنون فی تبارهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل الجسد، إذا اشتكى تداعى له سائرته بالسهر و الحمى (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۲، ص ۴۲۴). مؤمنان در نیکی کردن و ترحم آوردن و مهربان بودن به یکدیگر، در حکم تن واحدند که تا عضوی از آن به درد آید، عضوهای دیگر، با بیدار ماندن و گرفتار تب شدن با آن هم‌نوایی می‌کنند». این تصویر نیز بر اموری تأکید می‌کند که آشکارا قضایای مالی را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین جامعه‌ای می‌تواند ادعای اسلامی بودن و محمدی شدن کند که تفاوت مردم با یکدیگر در آن، از لحاظ معیشت، تفاوت چندانی نباشد و در آن عضوهای فراوانی با درد فقر و بدبختی دست به گریبان نباشند.

وقتی مومنین در حکم تن واحدند و حتی در درد و رنج یکدیگر باید شریک باشند؛ در تمام شئون زندگی و مبادلات و معاملاتی که بین آنها صورت می‌گیرد، باید عدالت رعایت شود. بنابراین قرارداد بین آنان نیز نباید ظالمانه باشد. هر نوع قراردادی اعم از قرارداد خرید و فروش باشد و یا قرارداد دستمزد، باید قراردادی عادلانه باشد و به حقوق طرفین اجحافی نشود.

### ۳.۵. عدم تفکیک بین بازار پول و بازار کالا

ارتباط دو بخش حقیقی و اعتباری اقتصاد به زمان شکل‌گیری پول به‌عنوان وسیله مبادله و معیار سنجش ارزش، برمی‌گردد. در اندیشه اقتصادی کلاسیک نیز پول دارای هویت مستقل نیست، بلکه نقش یک واسطه خنثی و نازا را ایفا می‌کند (ر. ک: نظری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲). در صورتی که پول و کالا با هم مرتبط باشند و پول در مسیر تولید و تجارت کالا به‌کار گرفته شود، دوران شکوفایی اقتصاد خواهد بود. (ر. ک: کرویتس، ۱۳۷۸، صص ۲۲)

لزوم ارتباط بین بخش پولی و واقعی، مورد تأکید دانشمندان علم اقتصاد نیز می‌باشد. نوعاً استدلال اقتصاددانان مبتنی بر این است که پول به‌تنهایی و به‌صورت مستقل نمی‌تواند منشأ اثر در بخش واقعی اقتصاد باشد، لذا در مدل‌های اولیه‌ی تقاضای کل، اثبات می‌کردند که دو برابر کردن پول، فقط سبب افزایش قیمت‌ها می‌شود و بر بخش واقعی اقتصاد (تولید و اشتغال) هیچ تأثیری ندارد.

در مدل لوید، تقاضای کالا، کاملاً مستقل از پول و قیمت‌هاست. در تابع مطلوبیتی که لوید ارائه می‌کند، پول وجود ندارد. تابع مطلوبیتی که براساس آن، تقاضای کالایی را به‌دست می‌آورد، عبارت است (Fisher, 1978, P222) از:

$$U = U(X_1, \dots, X_{n-1})$$

که  $U$  تابع مطلوبیت و  $X$ ها مقادیر کالاها هستند. تقاضای کالا در مدل لوید، همگن از درجه صفر است، نسبت به قیمت‌ها و حجم پول. به‌عبارت دیگر اگر قیمت‌ها و حجم پول در مدل لوید، ۲ برابر شوند، تأثیری بر تقاضای کالا نمی‌گذارند. بنابراین پول، جدا از بخش حقیقی اقتصاد نمی‌تواند منشأ اثر باشد و سبب تغییر متغیرهای حقیقی شود. از همین‌رو نگاه به پول یک نگاه تلفیقی است، یعنی پول در صورت پیوند و تلفیق با بخش واقعی می‌تواند منشأ اثر باشد. (Fisher, 1978, P222)

حتی در مدل نئوکلاسیک‌ها که پول وارد تابع مطلوبیت افراد می‌شود، اما رویکرد به پول یک رویکرد مستقل نیست و پول نمی‌تواند قیمت داشته باشد، بلکه پول، متفاوت از کالا و در یک تابع مطلوبیت تفکیک‌پذیر مورد اشاره واقع می‌شود. (Fisher, 1978, P224)

$$U = U[\varphi(X_1, \dots, X_n), M]$$

به‌طوری‌که پول فقط به‌عنوان وسیله‌ای برای پرداخت در تابع مطلوبیت شخص قرار گرفته، یعنی تغییراتی که در حجم پول واقع می‌شود اثری بر میزان تقاضای از کالا نخواهد گذاشت:

$$\frac{(\partial MRS_{X_i, X_j})}{\partial M} = 0$$

$$\frac{(\partial MRS_{X_i, X_j})}{\partial P_h} = 0$$

این تفسیر از پول که از آن به‌عنوان دوگانگی کلاسیکی تعبیر می‌شود، نقش مستقل برای پول قائل نیست، لذا پول نمی‌تواند به‌صورت مستقل و جدا از بخش واقعی قیمت پیدا کند.

در نظام اقتصادی اسلام نیز اصل عدم تفکیک بین بازار پول و بازار کالا، از حرمت ربا و حرمت قمار در معاملات استفاده می‌شود. این اصل بیان‌کننده‌ی آن است که پول در اقتصاد اسلامی کالای معمولی نیست. هرچند پول دارای ارزش است، اما ارزش مصرفی پول در مبادله است؛ بنابراین پول به‌تنهایی و خارج از مبادله (در یک بازار مستقل) نمی‌تواند منشاء ارزش باشد، لذا آن نوع بازار مستقل پولی که در مباحث مالی متعارف مطرح است، در اسلام از هیچ جایگاهی برخوردار نیست. (ر. ک، عیسوی، ۱۳۹۳، صص ۴۷۱ و ۴۷۲)

معاملات ربوی و قماری به‌طور معمول سبب جدایی بازار پول از بازار کالا می‌شوند. در قرض ربوی، شخص قرض‌گیرنده بدون درگیر شدن در یک فعالیت واقعی، خود را مستحق دریافت بهره می‌داند؛ بنابراین هرچند قرارداد می‌تواند مبنایی برای مشخص شدن سهم طرفین در معامله باشند، اما عقود که در قالب یکی از معاملات ربوی انجام گیرد، فاقد مشروعیت است. اسلام با حذف ربا، از هزینه تولید و هزینه مصرف محرومان کاسته و جلوی انتقال پول از مستضعفان به ثروتمندان را از این راه گرفته است؛ در نتیجه یکی از راه‌های تفاوت ثروت‌ها و اختلاف درآمدها بسته شده است. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱؛ ص ۴۲۶)

ربا نهایتاً به جدایی بخش پولی از بخش واقعی اقتصاد می‌انجامد. در حالی که هدف نظام مالی در اسلام، افزایش رشد و توزیع عادلانه منابع واقعی است و رفاه نهایتاً به وسیله ثروت واقعی تعیین می‌شود. از این رو بخش مالی برای تامین مالی بخش واقعی باید فعالیت کند. ربا معاملات مالی را از معاملات واقعی جدا می‌کند، ایجاد بدهی خالص دارای محدودیت‌های کمتری نسبت به تولید ثروت واقعی است. در نتیجه رشد بدهی‌ها موجب شده که بخش مالی از رشد افزون‌تری نسبت به بخش واقعی اقتصاد برخوردار گردد. رشد بدهی که به مرور زمان از ثروت واقعی مستقل می‌شود، عامل تهدید است. به وسیله تلفیق ارزش زمانی با معاملات واقعی می‌توان سازوکار تکثیر بدهی را حذف کرد.

کنار هم قرار گرفتن تحریم ربا و حلیت بیع در عبارت *احل الله البيع و حرم الربا* به خوبی نشان می‌دهد که اسلام کسب درآمد از طریق مبادلات کالاها و خدمات را جایز دانسته و کسب درآمد از مبادلات مالی و پولی محض را منع کرده است. انعکاس این مسئله واضح است بلکه احادیث و روایات مختلف نیز بر این مسئله تاکید می‌کنند. (Fahim khan, 2000. P 24)

در معاملات مبتنی بر قمار نیز برنده‌ی قمار بدون شرکت در فعالیت واقعی، صاحب عایدی می‌شود. معادل کلمه قمار کلمه میسر در قرآن به کار رفته است (مائده ۹۰ و ۹۱، بقره ۲۱۹). وجه تسمیه قمار به کلمه میسر، سهولت در گرفتن مال در یک مدت کوتاه و بدون سختی و زحمت است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص: ۲۴۵). خداوند متعال قمار را در ردیف می‌گساری و بت‌پرستی و از کارهای پلید شیطانی دانسته و دستور به اجتناب از آن داده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازلام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آن‌ها دوری کنید تا راستگاری شوید. (مائده، ۹۰)

امام باقر (ع) می‌فرماید: وقتی که خداوند «*أَنتَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ*» را بر پیامبر (ص) نازل کرد، از پیامبر پرسیدند: یا رسول‌الله، *مَا الْمَيْسِرُ؟* یعنی مراد از میسر در آیه چیست، حضرت فرمود: هر چیزی، حتی تاس‌های تخته‌نرد و گردو، که با آن برد و باخت شود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۲۳). از امام رضا علیه‌السلام نیز نقل شده، میسر همان قمار است. (همان، ص ۱۲۴)

بنابراین اصل فوق (عدم تفکیک بین بخش پولی و بخش واقعی) هم با دلایل اقتصادی و هم با دلایل شرعی، مورد تایید است. تا این‌جا با استفاده از روش استقرایی و با تحلیل گزاره‌های مربوط به

قراردادها، اصول کلی حاکم بر قراردادهای عادلانه را استخراج کردیم. از این جا وارد بخش دوم مقاله یعنی تطبیق این اصول حاکم با قراردادهای آتی می‌شویم.

### ۶. بررسی میزان انطباق قراردادهای آتی با اصول حاکم

بررسی مشروعیت قراردادهای آتی در تحقیقات گذشته بیشتر بر مبنای عدم تخطی این قراردادها از احکام مربوط به معاملات بوده است. به‌طور نمونه ممنوعیت بیع دین به دین، ممنوعیت معاملات غرری و .... بررسی شده و وجه دلالت آن احکام بر قراردادهای آتی مورد بررسی قرار می‌گرفت. اما در تحقیق حاضر از این روش فراتر رفته‌ایم و با صرف‌نظر از این که این قراردادها با احکام و قواعد فقهی چه چالشی دارند، به بررسی میزان انطباق این قراردادها با اصول حاکم بر قراردادهای اسلامی پرداخته‌ایم.

#### ۶.۱. میزان انطباق با اصل اعطاء حق

بازاری که در آن شفافیت اطلاعات وجود نداشته باشد، حق و حقوق طرفین معامله بر پایه‌ی عدالت شکل نمی‌گیرد. در شان نزول سخنان حضرت شعیب در مورد عدم بنخس، بیان شد که اطلاعات نامتقارن یکی از عوامل پایمال شدن حقوق افراد است. این در حالی است که، اطلاعات نامتقارن، انتخاب معکوس و خطرات اخلاقی به‌عنوان جریان غالب بازارهای آتی امروزی است؛ بنابراین انطباق این قراردادها با اصل اعطاء حق مورد تردید است.

مسئله عدم تقارن اطلاعات به‌وفور در بازارهای آتی دیده می‌شود. به‌طور نمونه مدیران یک شرکت اطلاعاتشان نسبت به صاحبان سهام بیشتر است. وجود عدم تقارن در اطلاعات منجر به بروز انتخاب معکوس و خطرات اخلاقی می‌شود: انتخاب معکوس به این معناست که معمولاً در چنین شرایطی افراد پرریسک و کلاهبرداران وارد معامله می‌شوند و افراد امین و کارا به‌خاطر عدم تقارن اطلاعات، تمایل کمتری به انعقاد قرارداد دارند. (ر. ک، میشکن، ۱۳۹۰، ص ۲۳۳ تا ۲۵۰)

واقعیت بازارهای آتی نشان می‌دهد که سفته‌بازان، آسان‌تر از دیگران می‌توانند از اطلاعات حساس موجود در بازار به نفع خود استفاده کنند. به بیان دیگر عملیات جاری در بازار آتی، بستر لازم را برای این که یک سفته‌باز، از طریق دست‌کاری قیمت‌های یک دارایی که وجود حقیقی ندارد، بتواند کسب سود کند، فراهم می‌سازد؛ چرا که دغدغه‌ی اصلی سفته‌باز، سود فوری است و توجهی به

عواقب اقتصادی- اجتماعی کار خود ندارد (ر. ک، منان، ۱۳۸۶، ص ۷۶ و ۷۷). با توجه به واقعیات اقتصادی و این که کل تولیدات اقتصاد همانند یک کیک بزرگ است، سودی که سفته‌باز (بدون دخالت در تولید) به دست آورده، ناشی از پایمال شدن حق شخص دیگری است. بدین ترتیب اطلاعات نامتقارن در بازارهای آتی، سبب انحراف این قراردادها از اصل اعطای حق می‌شود.

حتی اگر دولت و نهادهای نظارتی بخواهند به افشای اطلاعات بپردازند، اما ساختار بازارهای آتی به گونه‌ای است که ایجاد استاندارد برای افشای اطلاعات را دشوار می‌سازد. برخی از این دشواری‌ها عبارتند از: ۱. تغییر مداوم صنعت مدیریت ریسک که ایجاد استاندارد دائمی را برای افشای اطلاعات ناممکن می‌سازد. ۲. صنعت خدمات مالی خود به سرعت در حال تغییر بوده و شرکت‌های مختلط مالی در حال تشکیل می‌باشند که خود موجب مبهم شدن ریسک‌های مختلف این صنعت شده است. ۳. عدم تمایل شرکت‌ها به افشای اطلاعات به دلیل تمایل آن‌ها به فرار مالیاتی و پنهان کردن اطلاعات از رقبا (ر. ک، خان و احمد، ۱۳۸۷، صص ۱۵۰ و ۱۵۱). مجموعه‌ی این عوامل و شواهد و گزارش‌های موجود، نشان می‌دهد که عدم تقارن اطلاعات، لازمه‌ی جدایی‌ناپذیر بازارهای آتی است و عدم تقارن اطلاعات نیز به روشنی اصل اعطای حق را مختل می‌سازد.

## ۲.۶. میزان انطباق با اصل اخوت و برادری

براساس اصل اخوت، مومن برادر مومن است به او خیانت نمی‌کند و در معامله او را فریب نمی‌دهد. اما در اکثر معاملات بازارهای آتی، طرفین قرارداد بازیگرانی هستند که هریک حدس متفاوتی از آینده دارند؛ و براساس این که هریک به دنبال حداکثرسازی سود خود هستند، رفتار عقلایی حکم می‌کند که اطلاعات خود را که براساس آن‌ها حدسشان شکل گرفته، بیان نکنند. در واقع هریک از بازیگران، به دنبال بهره بردن از زیان طرف مقابل هستند. این مفهوم از رفتار معامله‌گران در بازارهای آتی هیچ سنخیتی با اصل اخوت و برادری ندارد.

اطلاعات نامتقارن تبیین دیگری از بی‌توجهی به اصل اخوت و برادری در بازارهای آتی است. تقلب و فساد مالی به صورت انتشار اطلاعات غلط و بزرگ‌نمایی سودهای حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها و پنهان‌سازی و کتمان حقایق و واقعیات از مشخصات بازارهای آتی امروز دنیاست.

واژه‌ی اکوپاتی که توسط الیزون سوئدی در سال ۲۰۰۶ مطرح شد به زیرکی اقتصادی یا حرص و زیاده‌طلبی که به سرعت از مرزهای متعارف تجاوز می‌کند اطلاق می‌شود و هرگونه اخلاقی است که بدون ملاحظه ارزش‌های اخلاقی منجر به نفع و سود گردد. در اکوپاتی زیاده‌خواهی محور اصلی است و حد و مرز نمی‌شناسد. (ر. ک: میشکن، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵ تا ۲۵۹)

واژه‌ی اکوپاتی بیانگر روح حاکم بر قراردادهای بازار آتی است و واژه‌ی اخوت و برادری بیانگر روح حاکم بر قراردادهای عادلانه است؛ بنابراین میزان انطباق قراردادهای آتی با اصل اخوت و برادری در حد صفر است.

### ۳.۶. میزان انطباق با اصل عدم تفکیک بین بازار پول و بازار کالا

امروزه اکثریت قراردادهای آتی با یک قرارداد جبرانی تسویه می‌شوند و تحویل کالا اتفاق نمی‌افتد (Bear 1986) و به گفته‌ی برخی از محققان ۹۹ درصد از همه قراردادهای آتی یکسان به‌جای آن‌که از طریق فرآیند تحویل صورت گیرد، به‌واسطه مبادلات معکوس صورت می‌گیرد. (khan, 2000, p10)

بازارهای آتی در حال حاضر به‌صورت یک صنعت مستقل فعالیت می‌کنند که در آن معامله‌گران می‌توانند بدون آن‌که تولید واقعی یا تحویل کالایی در کار باشد از طریق معامله‌های توأم با ریسک درآمد کسب کنند (منان، ۱۳۸۶، ص ۳۰). در حالی‌که در نظام مالی براساس سود واقعی، رشد بازار مالی تابعی از رشد بازار واقعی است، اما در بازارهای آتی به‌دلیل رواج سفته‌بازی و معاملات صوری، بخش اعتباری مستقل از بخش واقعی شکل می‌گیرد. در این شرایط سرمایه مالی به‌رغم برخوردار شدن از امکانات مالی بیشتر، به‌طور ماهوی از پشتیبانی مالی واقعی کمتر بهره‌مند است. (ر. ک: نظری، ۱۳۹۲، ص ۴۹)

تفکیک زمان و ریسک از فعالیت‌های واقعی منجر به واگرایی میان بخش مالی و واقعی خواهد شد. تفکیک دو بخش واقعی و مالی از یکدیگر بسیار هزینه‌بر خواهد بود و این هزینه‌ها مانع از رسیدن به هدف اصلی یعنی کارایی و کاهش هزینه معاملات خواهد شد. نهایتاً بخش واقعی باید هزینه‌های بیشتری بپردازد. (سویلیم، ص ۱۱۵)



#### ۷. قراردادهای آتی، خاستگاه بحران‌های مالی

علاوه بر مشکلات پیش‌گفته مبنی بر عدم انطباق قراردادهای آتی با اصول حاکم بر قراردادهای عادلانه، زمینه‌سازی این قراردادها برای ایجاد بحران است. قراردادهای آتی به‌سبب ماهیتی که دارند از بخش واقعی به‌صورت مستقل فعالیت می‌کنند و به‌دلیل نبود حدودمرز برای فعالیتشان منشاء ایجاد بحران می‌شوند. به‌طور نمونه در مسئله‌ی انتخاب معکوس، به‌دلیل این‌که شرکت‌ها اطلاعات کاملی از میزان فروش، دارایی‌ها و سود خود را به مردم انتقال نمی‌دهند، شرکت‌های بدترجیح می‌دهند خود را همانند شرکت‌های خوب جلوه دهند، در این حالت سرمایه‌گذاران نخواهند توانست به خوبی شرکت‌های خوب و بد را از یکدیگر متمایز سازند. تجزیه و تحلیل اقتصادی پیرامون این پدیده به ما کمک می‌کند تا بحران‌های مالی در بازارهای مالی که ویژگی اصلی آن کاهش قیمت دارایی‌ها و ورشکستگی است درک شود. در واقع یک بحران مالی هنگامی روی می‌دهد که در بازارهای مالی دو مسئله خطر اخلاقی و انتخاب معکوس به‌حدی برسند که بازار قادر نباشد به‌نجوی کارا پس‌اندازهای مردم را به‌سوی فرصت‌های سرمایه‌گذاری انتقال دهد و در این‌صورت است که فعالیت‌های اقتصادی به‌کلی منحل خواهد شد. (ر. ک، میشکن، ۱۳۹۰، ص ۲۳۳ تا ۲۵۰)

بررسی‌های انجام‌گرفته نشان می‌دهد، منشأ بحران‌های ۱۹۲۹ و ۲۰۰۸، در ابتدا بحرانی پولی و اعتباری بود؛ اما در ادامه‌ی مسیر مختصات یک بحران مالی را از خود بروز داد و سرانجام به‌صورت بحرانی اقتصادی، نظام سرمایه‌داری را به چالشی جدی کشاند. (عیسوی، ۱۳۹۳، ص ۵۱۰)

حدس و گمان نسبت به آینده که پایه‌ی قراردادهای آتی است، زمینه شکل‌گیری رفتارهای گله‌ای را فراهم می‌کند. این رفتارها هرچند ممکن است ریشه علمی و عینی نداشته باشد؛ اما چون از یک ذهنیت گله‌ای ناشی می‌شود می‌تواند منجر به بحران شود. چون اکثر سفته‌بازان همانند گله‌ای از احشام صرفاً دنباله‌روی می‌کنند و تابع رفتار دیگران عمل می‌کنند. این ذهنیت اگر به حرکت مثبت برای خرید منجر شود تشکیل حباب و اگر در جهت منفی و فروش بیانجامد منجر به سقوط خواهد شد. از طرف دیگر به‌دلیل ارتباط بازارهای مالی به یکدیگر بحران به‌وجود آمده معمولاً مسری است. بحران‌های مسری و ریسک‌های سیستمی وضعیتی است که بحران از یک نهاد مالی به نهادهای دیگر گسترش و سرایت می‌یابد. (ر. ک، میشکن، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵ تا ۲۵۹)

## ۸. نتیجه‌گیری

قراردادهای آتی هرچند در ابتدا برای تامین مالی کشاورزان و به‌منظور پوشش ریسک طراحی شدند، اما به لحاظ ماهیت این قراردادها و عدم لزوم تحویل در آینده، مورد سوءاستفاده بورس‌بازان قرار گرفتند و زمینه جدایی بازار مالی از بازار واقعی را فراهم کردند. اطلاعات نامتقارن و روحیه‌ی افراطی مال‌طلبی که حاکم بر بازارهای مالی متعارف است، زمینه‌ی شکاف طبقاتی بیشتر با استفاده‌ی از این قراردادها را فراهم نمودند.

به‌طور کلی میزان انطباق قراردادهای آتی با اصول حاکم بر قراردادها، بسیار ضعیف ارزیابی می‌شود و به‌دلیل ویژگی‌های ذاتی این قراردادها، علت‌های عدم انطباق غیرقابل رفع می‌باشند. میزان انطباق قراردادهای آتی با اصول حاکم و علت عدم انطباق در جدول زیر خلاصه شده است.

اصول حاکم بر قراردادها	میزان انطباق قراردادهای آتی	علت عدم انطباق
اصل اعطای حق	ضعیف	عدم تقارن اطلاعات
اصل اخوت و برادری	در حد صفر	شیوع اکوپاتی
اصل عدم تفکیک بین بازار پول و بازار کالا	ضعیف	تعیین قیمت برای پول (ربا) و ایجاد بازار مستقل برای پول

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، اسلام بر توزیع عادلانه سهم عوامل تاکید دارد و این امر تنها در سایه‌ی قراردادهای عادلانه که اصول حاکم بر قراردادها در آن‌ها رعایت شده باشد، امکان‌پذیر است. اما رواج قراردادهای آتی در بازارهای مالی، زمینه نابرابر شدن توزیع ثروت و درآمد را فراهم می‌کند و به شکاف طبقاتی بیشتر می‌انجامد. از طرفی برخی نیازها و ضرورت‌ها ایجاد می‌کند، شرکت‌کنندگان در بازارهای مالی امکان استفاده از قراردادهایی برای تامین مالی و یا پوشش ریسک را داشته باشند. برای این امر پیشنهاد می‌شود از ظرفیت عقود هم‌چون، سلف، فروش اقساطی، جعاله و استصناع برای پوشش ریسک و تامین مالی تولیدکنندگان و کشاورزان استفاده شود.

## منابع

قرآن کریم.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، سمت، تهران، ۱۳۷۱؛ ص ۴۲۶.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت: دار العلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.  
رجایی، سید محمد کاظم؛ ماهیت بهره و کارآیی اقتصادی آن، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.

زارعی، رضا و سعیدی، علی؛ مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۵.

السویلم، سامی ابراهیم؛ پوشش ریسک در مالی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۶.  
طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.  
طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.  
طریق ا. خان و حبیب احمد، ترجمه: محمد مهدی موسوی، بیوکی، مدیریت ریسک؛ بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷.

طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصبیرعاملی، بی تا، بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
عیسوی، محمود؛ ساختار بازار سرمایه در اسلام و بررسی تحولات آن در ایران، قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳.

قحف، منذر؛ مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی، ترجمه: عباس عرب مازار، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۶.

کرویتس، هلموت؛ پول، بهره، بحران‌های اقتصادی-اجتماعی، ترجمه حمیدرضا شه‌میرزادی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸.

کمال محمد، یوسف؛ فقه اقتصاد السوق (النشاط الخاص)، مصر: دار النشر للجامعات، ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۸ م.

کلینی، ابی‌جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵.

محدث نوری؛ مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

المصری، رفیق یونس، المضاربه علی الاسعار بین المویدين و المخالفین، مجله دانشگاه ملک عبدالعزیز: اقتصاد اسلامی، م ۲۰، ع ۱، ص ۶۵-۸۰.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.

معصومی‌نیا، غلام‌علی، ابزارهای مشتقه (بررسی فقهی)، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.

مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.

منان، محمد عبدل؛ فهم تامين مالی اسلامی؛ مطالعه بازار اوراق بهادار در چارچوب اسلامی، ترجمه: کامران ندری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶.

میشکن، فردریک اس؛ اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی، ترجمه احمد شعبانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.

نظری، حسن آقا؛ مبانی فقهی - اقتصادی نهادهای مالی و بازار سرمایه اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.  
هادوی تهرانی، مهدی؛ مکتب و نظام اقتصادی اسلام، موسسه فرهنگی خانه خرد، قم، ۱۳۷۸.

Bear, Robert M. Handbook of Financial markets, securities, option and futures.. Edited by Frank J. Fabozzi and Frank G. Zarb. Dow Jones - Erwin, 1981 and 1986)

Fahim khan, M. Islamic futures and their markets: with special reference to their role in developing rural financial market, Islamic research and training Institute, Islamic development bank, research paper, No. 32. 2000.

Fisher, Douglas. Monetary theory and the demand for money, Oxford: Martin Robertson, 1978.

Mishken, Fredric S. (2006) The Economic of Money, Banking, and Financial Markets, Boston: Person/ Addison Wesley.

Siddiqi, Muhammed Nejatullah. The Economic Enterprise in Islam. Lahore: Islamic Publication, 1972.